

خط قرآن

پیدایش خط و سیر تحول آن خود تاریخ مفصلی دارد، به عقیده محققان جدید، کهن‌ترین و نخستین سررشته خط، خط «هیروگلیفی» است که مصریان از آن استفاده می‌کردند.

پس از آن فینیقی‌ها اساس خطی را پی‌ریزی کردند که اکثر خطوط دنیا از آن اقتباس شده است. سومین رشته خط در سلسله پیدایش آن، خط «آرامی» است که از خط

فینیقی الهام می‌گرفته است و می‌گویند خط «عبری» از خط آرامی پدید آمده که یهودیان

آن را مورد استفاده قرار می‌دادند. در حقیقت باید خط عبری را فرم تازه‌ای از خط آرامی

دانست. خط آرامی ریشه‌ای برای خطوط دیگر از جمله خط نبطی شد که در سیر تحول

آن خط حجازی «نسخ» و خط کوفی پدید آمد.

اما خاورشناسان خط سریانی را در عرض خط نبطی قرار می‌دهند نه در طول آن. آنان

معتقدند خط به دو شکل وارد جزیره العرب گردید: خط سریانی و خط نبطی.

خط مصری - خط فینیقی:

۱- خط مسند ۲- خط آرامی:

۱- خط سریانی - خط اسطرنجیلی - خط کوفی

۲- خط نبطی - خط حیری - خط نسخ

در نظر خاورشناسان، خط عربی بر دو قسم است: خط کوفی که ماخوذ از نوعی خط

سریانی است که به خط «اسطرنجیلی» معروف است، و خط حجازی یا خط نسخ که از

خط نبطی گرفته شده است.

خط کوفی، شاخه‌ای از خط اسطرنجیلی است که پس از بنای شهر کوفه و پختگی این خط در آنجا به خط کوفی معروف گردید. این خط را مسلمانان معمولاً برای نگارش قرآن و بعدها روی محراب‌ها و بالای در مساجد و پیرامون ابنیه مهم و کتیبه‌های قرآن و عناوین سوره در مصحف‌های بزرگ مورد استفاده قرار می‌دادند .

گرچه رواج خط کوفی در ابتدای امر از خط نسخ بیشتر بود؛ اما به تدریج خط کوفی جای خود را به خط نسخ داد و مسلمانان در امر کتابت قرآن روز به روز، این خط را کمال بخشیده به زیبایی تمام رساندند. قرآن را تا اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم، به خط کوفی می‌نوشتند. سپس نگارش قرآن با خط نسخ و انواع خطوط مشتق از آن معمول شد. شاید از آن جهت که خط نسخ در این قرن، خط کوفی را در نگارش قرآن و جز آن، منسوخ ساخت، به خط نسخ معروف گردید

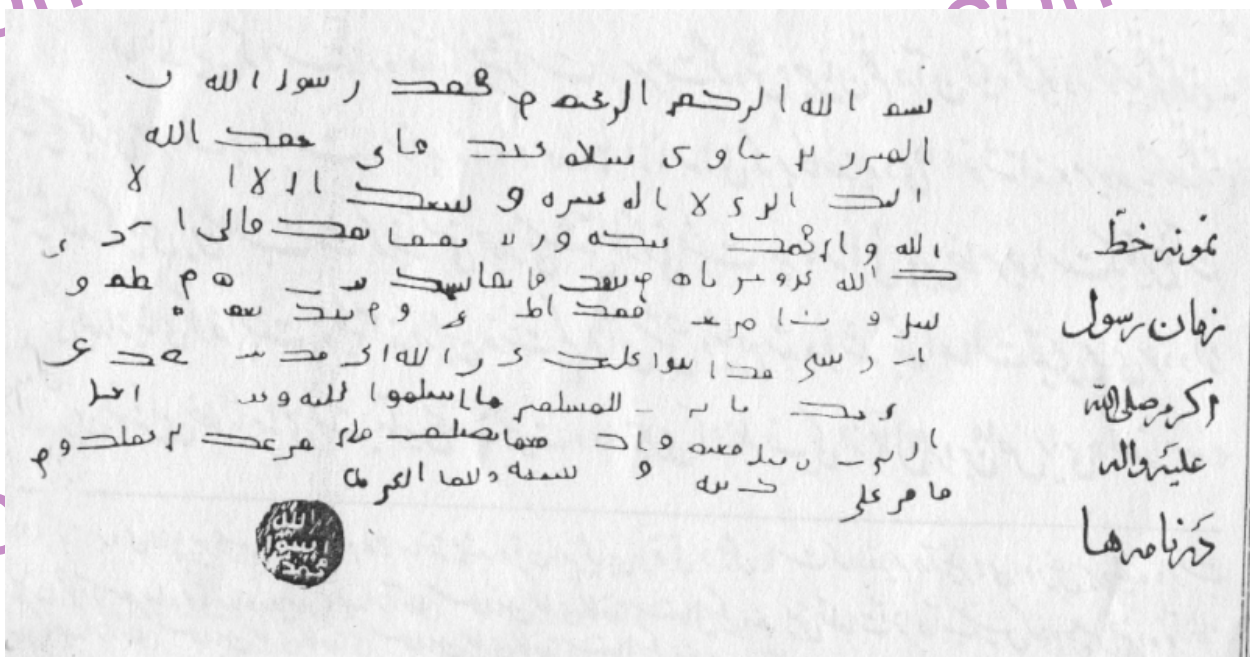
خط کوفی

از بین خطوطی که از قرن‌ها پیش به دست بشر اختراع شد، به عنوان اولین خطی که در نگارش و نیز در کتیبه نویسی اسلامی از آن استفاده شد می‌توان به خط کوفی نام برد .

خط کوفی یا نسخ ناقص از دوران پیش از اسلام به زمان ظهور رسیده بود و عده‌ای انگشت شمار بدان خط می‌نوشتند و در دسترس عموم نبود.

به هر صورت با ظهور اسلام این خط پیشرفت که دو رونق یافت ، شاید علت این بود که هر یک از ادیان کتابت خاصی خود را داشتند : چنانچه عبریان، خط مربع و سریانیان خط سریانی و سنطوریان خط سترنجیلی را مخصوص کتاب های دینی و عملی خود قرار دادند، مسلمانان هم خط کوفی را که صورت و هیأتی بهتر یافته و مشابه خط سترنجیلی شده بود خاص نوشته قرآن دادند و بعدها آن را در تزئین سکه، کتب و توقعیات نیز مورد استفاده قرار دادند.

محققین ریشه این خط را حجازی دانستند : جبری، انباری، کندی، بنطی، صفوی، مسند و فتنیقی به نظر می رسد و هیچ خطی در جهان به اندازه کوفی برای آرایش و تزئین مناسب نیست.



«کوفی تنها خط اسلامی است که به جهت گستردگی جغرافیایی و تنوع کاربرد از کتابت

تا کتیبه داری دهها گونه متنوع الفباست» س. فلوری (S.flury).

خط کوفی در قرن اول به همان صورت ساده خود مبتنی به رسم الخطهای مکی، مدنی و کوفی نوشته می شود و در تزئین آن کوشش به عمل نمی آید. در اواخر بنی امیه و بنی عباس که خط کوفی از حوزه عربستان تجاوز کرد و در کشورهای دیگر مانند ایران،

آسیای صغیر، مصر و شمال آفریقا منتشر شد، کم کم اقلام دیگری استخراج و انواع مختلفی از آن پدیدار گشت.

این خط در طول سه قرن به شدت رواج گرفت و در تمام شئون اجتماعی اسلامی چهره درخشانی داشت.

خط کوفی در عصر دولت عباسی به مرتب بالایی از تفنن و زیبایی رسید و انواع خط

کوفی از پنجاه نوع متجاوز شد که مشهورترین آنها: کوفی محرر، مشجعه، مربع، مدور و متداخل بود.

پس از رواج اقلام سته محقق، ریحان، نسخ، ثلث، طوقی و رقاع خط کوفی را از رونق

افتاد ولی تا قرن هفتم و هشتم هم معمول بود و از آن به بعد مختصری در کتیبه ها و

سر سوره های قرآن و عناوین کتابها و امسال آن به کار می رفت و متدرجاً استفاده از

آن کم شد تا حدود قرن یازدهم که مدت ۱۰۰۰ سال از عمر آن گذشته بود یک باره با

تمام انواع خود به دست فراموشی سپرده شد!

این خط دقیقاً اندکی در کتیبه ها، سرلوحه ها و برای تفنن در قطعات و پشت جلد کتاب و

عناوین به کار می رود.

بررسی چگونگی نام خط کوفی:

به دلیل عقل شکل است باور کنیم که به مجدد ایجاد شهر کوفه چنین خط محکم، کاملی یکباره پیدا شود. صحیح آن است که چون کوفه نبیان یافت و مرکز دینی و سیاسی برای دولت اسلامی شد این خط به مرتبه ای از تجوید، تحسین رسید و خاص و شایسته نوشتن معاصف شده به کوفی معروف گردید و شاید که قبل از شهرت آن به کوفی نام « جزم» بر آن اطلاق می شده است. و نیز گفته اند که بدان جهت مشهور به کوفی شد که چون کوفه مقر خلافت حضرت امیر المومنین علی (ع) گردید و خط کوفی که خود آن حضرت هم یکی از نویسندگان آن خط بود رواجی بیشتر یافت و احکام و ارقام بدان نوشته شد، لذا از آن پس به کوفی شهرت یافت.

« چگونگی پیدایش نقطه و اعراب در خط کوفی » :

خط کوفی در ابتدایی نقطه و بدون حرکات (اعراب) بوده که این کمبود کار خواندن را مشکل می ساخت .

از اعراب به قرائت و تلفظ آن آشنا بوده و قریب به چهل سال در شهرهای اسلامی آن زمان قرآن ها بدون نقطه و حرکات خوانده می شد ولی وقتی فتوحات اسلامی گسترش یافت و امت های غیر اسلامی با مسلمانان مختلط شدند لجن و تضعیف غلط هر قرائت قرآن بروز کرد و وضع نقه و حرکات ضروری گردید و نیز ضرورت حفظ دقیق و ثبت صحیح قرآن کریم و همچنین گسترش اسلام در میان قوم ها و ملت های جهان مسلمان را فکر اصلاح خط انداخت .

در بررسی در قرآن که به خط کوفی از آغاز اسلام تا قرون ششم و هفتم (ه.ق) نگارش در خواهیم یافت که این قرآن ها ه نوع اند :

۱-قرآن های عاری از نقطه

۲-قرآن هایی که در آنها نقطه به جای فتحه، کسره و ضمه به کاررفته است .
(شیوه ابوالاسودی) [۱]

۳-قرآن هایی که به روش ابوالاسودی با اصلاحاتی که دو تن از شاگردان وی در آن انجام دادند. بدین معنی که نقطه را بعنوان نقطه و هم به عنوان حرکات به کار می بردند.

۴- قرآن هایی که در آنها به جای نقطه حروف حرکات و به عوض حرکات، نقطه است .

۵- قرآن هایی که هر چیز در جای خود قرار دارد . نقطه به عنوان نقطه و حرکات به عنوان حرکات و به روشی کاملاً امروزی و با ضوابط کامل آن که امروز نیز به همان روش می نویسند .

و نیز خط کوفی به کار رفته در نسخ قرآنی ، اوایل مقدم بر هر چیز خطی دعایی و نیایشی است، این نظر با آن که درست می نماید تا اواخر سده پنجم نیز همین بنیاد رواج

نام داشت ولی اسنادی است که می نماید کاتبان و خطاطان در جهان اسلام از خط کوفی صرفاً به عنوان خط دعایی و نیایشی استفاده نمی کردند. بلکه آثار تاریخی و

علمی را نیز در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم به همین خط می نوشتند.

« تقسیم خط کوفی »

با گسترش اسلام و کشور گشایی مسلمانان خط کوفی به عنوان خط بین المللی اسلام به شرق و غرب راه یافت و با ورود به هر سرزمینی، این خط تحت تأثیر فرهنگ و تمدن، خط محلی یا آن شهر مشهور و معروف می گردید و به علت تنوع در شیوه های نگارش در بین تمام خطوط جهان بی نظیر است .

جالب است که دانشمندی چون « ابوجیان توحیدی» در اوایل قرن یازدهم میلادی هنوز از ۱۲ شکل عمده خط کوفی یاد می کند که بسیاری از آنها نام خود را از مکانهایی که در آنجا به کار رفته گرفته اند. نموداری از تقسیم خط کوفی :

کوفی مغربی :

- قیر دانی (اندسی، قرطبجا، فاسی)

شیوه های کوفی مغربی

- تونسسی

- جزائری

- سودانی

کوفی شرقی

- اصیل عربی

شیوه های کوفی شرقی

مکی، مدنی، کوفی، بصری، شامی، مصری و دیگرانواع آنها

- ایرانی

- مختلط

تقسیم خط کوفی شرقی به سه نوع مده

۱- ساده (محرر)

ساده خالص

ساده ایرانی

مشجر

مذهر

۲- تزئینی

مورق

مظفر

معشوق

۳- نباتی (معلی)

تقسیمات خط کوفی به ۶ سبک (S.flury)

۱- کوفی ساده

۲- کوفی گلدار

۳- کوفی طوماری

۴- کوفی مشبک

۵- کوفی حاشیه دار

۶- کوفی مستطیل

اختلاف میان مشرقی و مغربی، اساساً این است که اصلاحات ابن مقله، رواج و استعمال خط کوفی را از شرق بر انداخت و این اصلاحات به مغرب تأثیری نداشت و همچنین بین الفبای این دو دسته نیز تفاوت وجود دارد.

به هر صورت خط کوفی با تمامی انواع و اقسامش به دوش خود یا دسته اصلی شرقی و غربی تقسیم می شود. خط کوفی مغربی که شامل شیوه های:

قیردانی (اندسی، قدطبی، فاسی)، تونسسی، جزائری و سودانی است. البته « خط مغربی

مشتق از کوفی قدیم است و قدیمی ترین خطی است که بدست آمده به قبل از سال سیصد هجری بازگشت می کند. که به خط قیروانی منسوب به قیروان پایتخت مغرب، معروف است.

کتابت الجزایری:

در تمام سرزمین جزایر یکنواخت نیست، قسمتی از خط آن شباهت به خط تونسسی و قیروانی دارد و دارای سطرهای درشت می باشد و عموماً زاویه آنها تند و سخت خوانده می شود.

خط فاسی:

که در حروف (نون، یاء آخر، داد، لام، ضاد، جیم و مشابهاات آنها) مستدید (دایره وار) است و با این صفت استداره از دیگر خطوط متمایز است.

خط سودانی :

خطی است که غالباً غلیظ و ثقیل، دارای زوایا و با درشتی و غلظت و به خاطر دارا بودن این صفات تشخیص آن از خطوط دیگر آسان تر است .

خطوط کوفی مشرقی :

خطوط کوفی مشرقی شامل شیوه های :

اصیل عربی مشتمل بر مکی، مدنی، کوفی، بصری، شامی، مصری و توابع آنهاست و دیگر ایرانی و سوم مختلط .

خطوط کوفی شرقی با بررسی آثار و ابنیه ها به سه نوع عمده متمایز تقسیم می گردد:

۱- نوع ساده (محرر) که آن هم به دو شیوه است

- شیوه ای قدیمی که ساده خالص و خالی از هر گونه تزئین است و نمونه هایی از قرآن و کتیبه ها متعلق به قرن اول هجری می باشد .

- دیگر شیوه ساده ایرانی، که تقریباً بومی و رنگی از تزئین نیز بدان راه یافته است، این شیوه پس از تحولات و تطورات زیاد، سرانجام خطوط خاص ایرانی از آن بیرون آمده است.

۲- نوع تزئینی :

که تفاوت اساسی بین این نوع و شیوه ساده این است که نوع ساده دارای اصول و قواعد مشخص و معینی است ولی در شیوه تزئینی فقط اصول حروف الفبا رعایت می شود و دیگر تابع قواعد و اصول ثابت و معین دیگری نیست و به علت ابدعات و

تصرفاتی که در آن شده، خواندن آن مشکل می باشد زیرا در این شیوه به علت قرینه سازی و نیز پر کردن زمینه متوسل به رسم نقاشی شده اند.

در نتیجه نوشته در بین تزئینات هندسی، شاخه، گل و اقسام بسیاری است که نام های : مشجر، مذر، مرق، موشح، معشق، مظفر نامیده می شوند.

- مشجری یا مشعبی « آنگونه خط کوفی را گویند که تزئینات ابتدایی در آن پدید آمده و نیز خط های عمودی و آخر بعضی حروف چون نون و واو، شاخه، شاخه یا شعبه شعبه باشد. قدیمی ترین نمونه این نوع در مسجد جامع نائین دیده می شود.

- مرق یا ریحانی (برگ دار) : در این شیوه بین فواصل حروف، توسط اغنای شاخه ها و برگ های پر شده و نمونه های آن در مساجد قاهره دیده می شود.

- مذر یا گل و برگ دار : در این شیوه فواصل حروف و کلمات توسط شاخه و برگ و گل بیشتری تزئین شده است.

- معقد یا مشعق یا مشابک : در این شیوه علاوه بر تزئینات گفته شده، گروهایی نیز به صورت های مختلف لابلای خط قرار داده باشند و از این جهت به نام های معقد (گره دار)، معشق (پیچنده)، مشابک (در هم منظم) نامیده شده اند.

- تزئینی موشح (مصور و مزین) : در این نوع علاوه بر فاصله های حروف و زمینه ها، در حرکات خطی و منتصابات نیز، رسم و نقاشی توأم دیده می شود و دارای شکل های میانه و مشکل است و علاوه بر آن که دارای زیباترین خطاطی است با تذهیب «

تزئین نیز همراه است که البته جنبه های تزئینی آن به خط غلبه دارد و به طور کلی در وضع خط و خطاطی تغییرات بزرگی ایجاد نموده است، آن چنان که باعث دیرخوانی و سخت خوانی یا ناخوانی خط گردیده است.

۳- نوع بنایی (معقلی) :

این خط به صورت های مختلفی پدید آمد، که به نوع بنایی معروف است و بنائی و معقلی و منصه و مربع مستطیلی و متداخل هم بدان اطلاق می گردد و نوع تزئین نشده خط کوفی است. و حرکات مستطیلی شکل (گاهی مربعی شکل) حروف آن را از نوع دیگر مستثنی می سازد).

خط معقلی را از این رو نامیده اند که برای خواندن آن به دقت و تعقل بسیار نیاز است و وجه تسمیه بنایی به این جهت است که تنها در بنا و معماری کاربرد داشته و هیچگاه در کتابت مورد استفاده قرار نگرفته است، این خط از سده های نخستین هجری به شکل های متنوع و زیبا به کار رفته است.

بیشترین استفاده از خطوط کوفی در بناها و مساجد باستانی همین خط بنایی (معقلی) است و به خصوص از دوره تیموریان و نیز صفویان در مشهد و اصفهان و نقاط دیگر دیده شد و حتی کاشیکاران از این خط استفاده نمودند.

مطالبی دیگر ...

«س.فلوری» S.Flury خط کوفی را به شش سبک تقسیم می نماید :

۱- کوفی ساده : این سبک عبارتست از حروف ساده که در یک خط مستقیم نوشته میشود و بدون آرایش حروف با زمینه اش به یکدیگر متصل می گردند.

۲- کوفی گلدار : در این سبک قسمت فوقانی حروف بلندتر و آرایش حروف دیگر به طرف بالا متوجه شده و سطری را تشکیل می دهند که مانند نقش گل می باشد . بهترین نمونه این قسم در مسجد قدیم نائین دیده می شود.

۳- کوفی طوماری : در این سبک، آرایش از حروف جداست و به شکل طوماری مژین می باشد که دور تا دور حرف را فرا گرفته و جاهای خالی را در بالا و پایین آنها پر می کند. این قسم در نوشتن آیات قرآن در معماری به کار می رفت.

۴- کوفی مشبک : ریشه و اصل این خط به ایران نسبت داده می شود و از همه خطوط کوفی دیگر برجسته تر است . بدنه حروف بلندتر به یکدیگر متصل و شبکه ای تشکیل می دهند. نمونه های آن فراوان است . مانند: کتیبه برج رادکان و کتیبه داخل پیرعلمدار در دامغان .

۵- کوفی حاشیه دار: در قسمت بالای این نوع خط، نقشی به تکرار کشیده شده و حاشیه ای تشکیل می دهد که از خود خواجه است .

۶- کوفی مستطیل : این قسم کوفی ، طوماری نوشته می شود که در درون سطح مستطیلی جا می گیرد این خط مخصوص نوشتن روی آجر است و در روی کاشی با آن اشکال مختلف می توان ترتیب داد. نمونه آن کلمه ا... است که مکرر، رج مدور و

مقبره شیخ صفی در اردبیل نوشته شده و در مسجد کبود تبریز نیز طرح های مربعی کوچک به کار رفته است.

و اما چرا از خطی این چنین، اینک به جزء آثار به جای مانده کمتر کسی اطلاع دارد؟

چه شد که خورشید کوفی غروب کرد؟

در طی این بررسی به نظر می رسد دلایل زیر شاید بتواند پاسخگوی این افول باشد،

زیرا « خط کوفی در پیدایش سلسله خطوط اسلامی رتبه اول را دارد ولی امروز از لحاظ

استعمال در مرتبه آخر قرار گرفته است. و این شاید به دلیل نحوه نگارش آن باشد زیرا

نوع ساده آن فاقد زیبایی است و لازمه خوشنویسی، زیبایی و کمال است و گرنه برای

تماشاگاه « هیچ جذابیتی نخواهد داشت، در نوع تزئینی هم به خصوص از اواخر قرن

۵۶.ق این خط نقش اصلی خود را که بیان اندیشه ها و شرح رویداد ها بود از دست داد

و به طور عمده وظیفه تزئینی به خود گرفت زیرا تغییراتی که در این خط ایجاد شده بود

باعث دیرخوانی و سخت خوانی و ناخوانی آن گردیده بود و جنبه های تزئینی بر

محتوای خط غلبه یافت و هر زمان که خطی نتواند محتوا را انتقال دهد دیریا زود محکوم

به نبودی است و ازسویی این خط به سبب آن که تحت تأثیر فرهنگ هر منطقه قرار می

گرفت و نیز تابع قواعد اکیدی نبود در هر منطقه به نوعی نمود پیدا کرد و این تنوع و

کثرت در نحوه نگارش نیز می تواند سبب نابودی گردد. زیرا ممکن بود این خط تأثیر

گرفته از فرهنگ یک منطقه مغایر با خط تأثیر گرفته از فرهنگ منطقه دیگری باشد و

همین محدودیت یکی از دلایل افول این خط می تواند باشد و از طرفی هیچ کشوری

مغلوبی حاضر نیست فرهنگ غالب را مادام العمر بپذیرد، مدتی بدان تن میدهد بعد آن را تحت تأثیر فرهنگ خود قرار می دهد و سپس آن را در فرهنگ خود حل می کند و خط کوفی نیز از این قاعده مستثنی نبود و به ناچار تسلیم خط های ابداعی کشورهای مغلوب گردید و حتی خود اعراب نیز به خط های دیگر نظیر ثلث و نسخ روی آوردند، لذا خورشید کوفی چاره ای جز غروب نداشت .

توصیف :

« شریفترین هر بصری در جهان اسلام خطاطی است و مخصوصاً نوشتن متن قرآن کریم که نفس هنر دینی به شمار می آید ... در کتیبه های دینی الفبای عربی در بسیاری از موارد با زینت مخصوصاً طرحهای نباتی توأم شده است ... و درختی که برگهایش مطابق با کلمات آسمانی باشد. لکن علاوه براین ترکیبات خط عربی در خود دارای امکانات تزئینی است که شکوه و زیبایی آن به حدی است ... کتیبه های منقش که بر روی دیوار درونی مسجد و یا دور محراب را گرفته . شخص مؤمن را نه تنها بیاد معنی کلمات آن می اندازد بلکه او را متوجه اشکال و صور روحانی آن می کند ...»

« مقاله قیتوس بور کهدات »

« خط کوفی برای همه قم تزئینات کتابها و ابنیه و ظروف و غیره کاملاً مناسب بود و اصولاً همه خطوط اسلامی مخصوصاً کوفی برای تزئین از سایر الفبا مناسبتر است زیرا که ترکیبات حروف آن از حیث عمودی و افقی بودن و اتصال آنها به یکدیگر بر حسب ذوق و سلیقه کاتب صورت پذیر است . بعلاوه علامت و نقطه و اعراب نیز بر زیبایی

میافزاید مخصوصاً اگر علامت را چنانکه معمول بوده است با مرکب الوان و زر نوشته باشند .

« از تعزیرات مرحوم دکتر مهدی بیاتی »

منابع :

« طبق اعداد درج شده در آخر پاراگرافها »

۱- اطلس خط

۲- بهرام زاده ، محمد، نظری اجمالی بر سیر تحولی خطوط اسلامی و خواندن کتیبه ها، انتشارات دانشگاه آزاد .

۳- قلیچ خانی، حمیدرضا، درک عمومی هنر، انتشارات سه استاد .

۴- استاد میرزایی مهر، جزوات کلاس های درک عمومی هنر .

۵- گاور، آلبرتین، تاریخ خط

[۱]. ابوالاسود دولی، علم نحو را از حضرت علی (ع) فرا گرفت و خود چهار برگ در

علم نحو و کلام هر فاعل و مفعول از ابوالاسود که به خط یحیایی بن یعد شاگرد

ابوالاسود نوشته شده بود دید. در زمان معاویه و زمامداری زیاد، وقتی شنید که قاری

قرآنی این آیه را چنین می خواند « ان الله ربنا من المشرکین و رسوله . (بکسر) در

صدد برآمد و به کتابت چنین گفت: هنگام قرائت چون دیدی دهانم را بر حرفی گشودم

یک نقطه روی آن حرف بگذار و چون دیدی دهانم را را بستم یک نقطه جلوی آن بگذار

و اگر کسره داد نقطه ای زیر آن قرار ده ، از آن پس اینها را نقطه ابوالاسود نامیدند